

## گزارش سمینار سیاست قیمت‌ها در کشاورزی

دکتر مصطفی حداد

سمینار سیاست قیمت‌گذاری در کشاورزی که از تاریخ ۲۲ اکتبر تا اول نوامبر ۱۹۹۶ (۱ تا ۱۱ آبان ۱۳۷۵) در شهر توکیو ژاپن برگزار شد به وسیله سازمان بهره‌وری آسیایی (APO) و دولت ژاپن سازماندهی شده بود. در این سمینار ۱۳ کشور شرکت داشتند و مهمترین هدفهای آن عبارت بود از:

۱. دستیابی به آخرین پیشرفت‌ها در زمینه قیمت‌گذاری در کشاورزی بخصوص در رابطه با روند خصوصی‌سازی اقتصادی در منطقه آسیا و اقیانوسیه.
۲. بحث و تبادل نظر در زمینه نقش سیاست قیمت‌گذاری در رابطه با تغییرات اقتصادی کشورهای عضو
۳. تبادل تجربیات بین کشورهای عضو

سمینار با ارائه مقالات از جانب نمایندگان کشورهای شرکت‌کننده کار خود را شروع کرد که هر یک، سیاستهای قیمت‌گذاری در کشاورزی کشورهای خود را تشریح کردند بعد از آن مقالات

متخصصان دعوت شده به سمینار ارائه شد و در پایان به مدت ۳ روز بازدید صحرایی صورت گرفت.

مقالات ارائه شده توسط متخصصان در زمینه‌های زیر بود:

۱. دورنگامی سیاست قیمتگذاری در کشاورزی
۲. برآورد درازمدت عرضه و تقاضای مواد غذایی و امنیت غذایی
۳. سیاست قیمتگذاری کشاورزی و سازمان تجارت جهانی WTO
۴. سیاست قیمتگذاری برنج و گندم در ژاپن
۵. سیاست قیمتگذاری محصولات لبنی در ژاپن
۶. سیاست قیمتگذاری گوشت
۷. سیاست قیمتگذاری سبزیجات در ژاپن

خلاصه مطالب عمده و عرضه شده در سمینار به شرح زیر بود: بخش کشاورزی کماکان سهم درخور توجهی از اقتصاد کشورهای شرکت‌کننده در سمینار را تشکیل می‌دهد. به جز چند کشور، سهم این بخش بین ۲۰ تا ۳۵٪ تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. سهم کشور تایوان ۳/۵ درصد، مالزی ۱۳/۶٪ و تایلند ۱۰/۸٪ که ناشی از بالا بودن درجه صنعتی شدن این کشورهاست. به طور کلی در اکثر کشورها سهم بخش کشاورزی روبه کاهش است. در این کشورها بین ۴۰٪ - ۶۰٪ نیروی انسانی را بخش کشاورزی جذب کرده است.

نکته برجسته این که روند کاهش سهم نیروی انسانی از روند کاهش سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کمتر نیست. به طور کلی تولیدات کشاورزی منطقه، بخصوص برنج و گندم افزایش یافته و رشد تولیدات به طور عمده در اثر بهبود بهره‌وری صورت گرفته است.

دسترس به خودکفایی کامل و یا نسبی در زمینه غلات خوراکی و کاهش سودآوری در تولید آن سبب شده تا کشاورزان به تولید محصولات با ارزشتری برای صادرات بپردازند.

قیمت بیشتر محصولات اساسی روند افزایشی نشان می‌دهد. لیکن از نظر قیمت واقعی یا کاهش یافته و یا در همان سطح تثبیت شده است. نوسانات قیمت گندم و برنج به دلیل برنامه‌های

تثبیت دولتها به طور نسبی کم بوده در حالی که نوسان قیمت محصولات باغی و فسادپذیر بیشتر بوده است. در زمینه دانه‌های روغنی که حمایت دولتها کمتر بوده قیمتها نیز ثبات لازم را نداشته است. در زمینه نهاده‌های کشاورزی نیز قیمتها روبه افزایش بوده است. رابطه مبادله در اکثر کشورها به جز هندوستان به ضرر بخش کشاورزی تغییر کرده است. در مجموع سیاست قیمتگذاری در کشاورزی کشورها برای دست یافتن به هدفهای زیر تدوین شده است:

۱. افزایش تولیدات و صادرات محصولات کشاورزی

۲. تثبیت قیمت محصولات کشاورزی

۳. تثبیت یا تأمین درآمد قابل قبول برای زارع

۴. عرضه مداوم محصولات کشاورزی برای رفاه مصرف‌کننده

برای دستیابی به هدفهای فوق اقداماتی نظیر تعیین حداقل قیمت تضمین خرید، پرداختهای جبرانی، ذخیره‌سازی، توزیع عمومی مواد غذایی، پرداخت یارانه‌های صادراتی، کنترل واردات و پرداخت یارانه نهاده‌ها به عمل آمده که برحسب وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورها متفاوت است. در این زمینه دولتها ناگزیر به حفظ تعادل بین افزایش قیمت برای تولیدکننده و پایین نگه‌داشتن قیمت برای مصرف‌کننده هستند و برای این منظور کشورهایی نظیر پاکستان، هندوستان، نیپال و فیلیپین سازمانهایی را برای ایجاد کارایی بیشتر سیاستهای قیمتگذاری به وجود آورده‌اند. در این جا باید به این نکته توجه کرد که تنها از طریق سیاستهای قیمتگذاری نمی‌توان به هدفهای توسعه در بخش کشاورزی دست یافت. این موضوع بخصوص در کشورهای فقیر با زیرساختها و تکنولوژی ضعیف و کمبود منابع، بارزتر است. بنابراین سیاست قیمتگذاری در کشاورزی زمانی مؤثر است که با سیاستهای غیر قیمتی همراه باشد. از طرف دیگر دورنگای سیاست قیمتگذاری در کشاورزی تحت تأثیر سازمان تجارت جهانی و سایر سازمانهای منطقه‌ای نظیر آپک (APEC) و آسه آن (ASEAN) قرار خواهد گرفت.

خلاصه‌ای از سیاست قیمتگذاری در کشاورزی کشورهای شرکت‌کننده در سمینار به شرح

زیر ارائه می‌شود.

## بنگلادش

در کشور بنگلادش سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی ۳۲٪ و سهم نیروی انسانی ۶۲٪ است. برنج ۷۱٪ کل محصولات زراعی را شامل می‌شود. در راستای سیاست خودکفایی در غلات خوراکی تولید برنج و گندم افزایش داشته است. بین سالهای ۸۹ - ۹۰ تا ۹۲ - ۹۳ رشد تولید غلات خوراکی ۲/۷ درصد و رشد جمعیت ۲/۱٪ بوده است. تولید سایر محصولات غذایی اساسی در سالهای اخیر با کاهش روبه‌رو بوده و مصرف سرانه و روزانه محصولاتی مانند سبزیجات، حبوبات و دانه‌های روغنی کاهش یافته است.

قیمت دریافتی زارع از فروش محصولات کشاورزی ۷۵ تا ۹۵٪ قیمت عمده فروشی مناطق شهری را تشکیل می‌دهد و این امر نشان می‌دهد که زارعان سهم درخور توجهی از قیمت عمده فروشی را به دست می‌آورند. در ۱۵ سال گذشته قیمت بیشتر محصولات کشاورزی افزایش یافته لیکن قیمت واقعی غلات خوراکی (برنج و گندم) کاهش داشته است. در ژوئیه ۱۹۹۳ متوسط قیمت برنج ۳۰٪ کمتر از سال قبل بود. با افزایش تولید غلات خوراکی و سطح ذخایر، کاهش میزان واردات چشمگیر بوده است. لیکن در سال ۱۹۹۵ - ۹۶ به دلیل خسارات سیل دوباره واردات افزایش داشته است.

در بنگلادش سیاست تثبیت قیمت و امنیت مواد غذایی بخصوص در مورد برنج مهمترین سیاست دولت است. حمایت‌های مستقیم مانند سیستم سهمیه‌بندی، ذخیره‌سازی و حمایت از قیمت‌ها بخشی از سیاست‌های دولت را تشکیل می‌دهد. تا سال ۱۹۸۰ سیاست حمایت از قیمت نهاده‌ها به کار گرفته می‌شد لیکن بعد از آن با اجرای سیاست تعدیل اقتصادی سیاست قیمتگذاری نیز مورد تجدیدنظر قرار گرفت و یارانه نهاده‌ها و مواد غذایی کاهش یافت و واردات و توزیع نهاده‌ها به بخش خصوصی واگذار شد.

## تایوان

بخش کشاورزی نقش مهمی در توسعه اقتصادی تایوان داشته است. در مراحل اولیه رشد، بخش کشاورزی اساس توسعه صنعتی شدن بوده است. سیاست قیمتگذاری در کشاورزی نیز نقش مهمی در سیاستهای کشاورزی دولت ایفا کرده است. به طور کلی این سیاستها عبارت است از سیاست حمایت از قیمت بازار، پرداخت یارانههای مستقیم، یارانه نهادهها و ایجاد صندوقهای توسعه کشاورزی. در بین سالهای ۱۹۸۱ - ۹۴ قیمت واقعی خردهفروشی گندم - گوشت به شدت کاهش یافت و قیمت نیشکر (شکر)، برنج، مرغ و شیر به طور نسبی کاهش پیدا کرد و در طی دوره مزبور قیمت محصولات دریایی، سبزیجات، مرکبات، موز و آناناس افزایش یافت.

کشور تایوان به عنوان عضو سازمانهای بینالمللی نمی تواند سیاست تجارت آزاد را نادیده بگیرد. بنابراین برای این منظور سیاست آینده کشاورزی باید متناسب با سیاست بازار آزاد بوده و موانع تجاری را از سر راه بردارد. براساس موافقتنامه سازمان تجارت جهانی WTO کاهش حمایتهای داخلی (یا به عبارت دیگر AMS) در اولویت سیاستهای دولت قرار دارد. براساس این موافقتنامه میزان AMS یا حمایتهای داخلی باید در مدت ۶ سال در کشورهای توسعه یافته ۲۰٪ کاهش یابد. برای این منظور ۵ نوع استراتژی باید به وسیله دولت به مورد اجرا گذاشته شود. نخست اینکه قیمت تضمین خرید سویا، ارزن و ذرت در مدت کوتاه و به مقدار درخور توجهی کاهش داده شود. دوم، سیاست فعلی تایوان در مورد برنج تا سه سال آینده ادامه یابد. سوم، قیمت تضمین خرید توتون و تنباکو و انگور براساس قرارداد به بخش خصوصی واگذار شود. چهارم، براساس مقررات WTO یارانه محصولات غیرمشخص ادامه خواهد یافت. و سرانجام، هیچ محصول جدیدی به لیست محصولات مشمول یارانه اضافه نخواهد شد مگر اینکه آن محصول جزو محصولات (جعبه سبز) سازمان تجارت جهانی قرار داشته باشد. علاوه بر موارد فوق دولت درصدد فراهم ساختن مکانیزم قیمتها از طریق توسعه میدانهای مدرن و کامپیوتری کردن روش حراج و بهبود سیستم حمل و نقل و بازار است.

## فیجی

سه‌م بخش کشاورزی فیجی ۲۰ - ۲۴٪ تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود (که  $\frac{۱}{۴}$  آن مربوط به شکر است) و ۳۹٪ درآمد ارزی و ۵۰٪ اشتغال به بخش کشاورزی اختصاص دارد. تا قبل از ۱۹۸۹ دولت فیجی سیاست خودکفایی و جایگزینی واردات را دنبال می‌کرد که تولیدکنندگان را حمایت کند. در هر حال عدم تخصیص بهینه منابع مانع رشد بخش کشاورزی شده است. در حال حاضر دولت فیجی سیاست پیروی از بازار آزاد را دنبال می‌کند و بتدریج در زمینه پرداخت یارانه‌ها، مجوز واردات، محدودیتهای مقداری و ضوابط قرنطینه‌ای تجدیدنظر کرده است.

اقدامات مربوط به توسعه و رشد بخش کشاورزی عبارت است از :

۱. آزادی سرمایه‌گذاری خارجی در بخش کشاورزی
۲. برقراری موافقتنامه‌های تجاری با کشورهای نظیر استرالیا، نیوزلند، آمریکا، ژاپن برای دستیابی به صادرات بدون تعرفه
۳. معافیتهای مالیاتی در بخش کشاورزی مخصوص در رابطه با کشت و صنعت‌ها
۴. ایجاد زمینه‌های حمل و نقل مستقیم به بازارهای مهم
۵. سرمایه‌گذاری خصوصی در زمینه توسعه بندرها، جاده‌های استراتژیک و سایر تأسیسات مورد نیاز بازار
۶. تأمین اعتبارات موردنیاز برای توسعه صادرات و صنایع تبدیلی
۷. بهبود و توسعه تکنولوژی

روند عمومی قیمت‌ها در فیجی نشان می‌دهد که محصولات کشاورزی دارای نوسان قیمت بوده است، در حالی که محصولات غیرکشاورزی همواره در حال افزایش بوده است. قیمت تضمین خرید شکر براساس مقررات مربوط تا ۳ برابر قیمت‌های جهانی است. قیمت غلات خوراکی (برنج) به طور تقریب ثابت بوده است. فیجی در سال ۱۹۹۶ به عضویت کامل سازمان تجارت جهانی درآمد. این عضویت به طور عمده بر تولید لبنیات، برنج، گوشت و مرغ اثر داشته که بیش از این به مقدار زیادی حمایت می‌شده است. بنابراین درآمد کشاورزان در نتیجه رقابت کاهش یافته است و

## گزارش شرکت در سمینار ...

واحدهای غیراقتصادی ناگزیر به تغییر شیوه تولید شده‌اند. بنابراین سیاست قیمتگذاری باید با رژیم تجاری هماهنگ شود و در جهت‌های زیر تغییر کند:

۱. توسعه بخش کشاورزی از طریق بهبود تکنولوژی تولید، سرمایه‌گذاری در تحقیقات و ترویج به منظور افزایش درآمد تولیدکنندگان، کاهش هزینه‌های تولید و قیمت مصرف‌کننده
۲. وضع مقررات ضد دامپینگ
۳. تعدیل نرخ ارز در جهت توسعه صادرات (زیرا قیمتگذاری بیش از حد ارز، باعث زیان تولیدکنندگان داخلی در مقایسه با قیمت‌های جهانی می‌شود).
۴. معقول کردن یارانه‌های وارداتی و حمایت از قیمت محصولات کشاورزی.
۵. اهمیت دادن به نقش تکنولوژی در کشاورزی و سرمایه‌گذاری در آموزش و امور زیربنایی
۶. نگهداری نرخ مؤثر ارز در سطح تا حدودی واقعی

## هندوستان

رشد بخش کشاورزی از ۲/۸۹ درصد طی سالهای ۱۹۷۵ - ۷۴ تا ۱۹۸۴ - ۸۵ به ۳/۸ درصد طی سالهای ۱۹۸۴ - ۸۵ تا ۱۹۹۴ - ۹۵ رسیده که به طور عمده ناشی از افزایش بهره‌وری و عملکرد در هکتار بوده است. هرچند قیمت واقعی گندم، برنج و سایر محصولات کاهش یافته لیکن رابطه مبادله یعنی نسبت قیمت دریافتی کشاورزی به قیمت‌های پرداختی برای بخش در طی ده سال منتهی به ۱۹۹۴ - ۹۵ بهبود یافته است.

استراتژی دولت از طریق حمایت از قیمت‌ها همراه با معرفی تکنولوژی پیشرفته و ارائه خدمات موجب رشد بخش کشاورزی و خودکفایی در غلات خوراکی شده است. دخالت دولت برای جلوگیری از کاهش قیمت‌ها و کمک به کشاورزان در سالهایی است که برداشت محصول خسارت دیده و صادرات غلات خوراکی آزاد شده است.

از اوایل سال ۱۹۹۱ - ۹۲ خرید غلات انجام نمی‌شود مگر زمانی که قیمت‌ها به زیر حداقل قیمت تعیین شده کاهش پیدا کند. بنابراین سیاست حمایت از حداقل قیمت محصولات کشاورزی به

عنوان استراتژی توسعه ادامه خواهد یافت. لیکن بخش خصوصی باید نقش بیشتری را در عرضه غلات خوراکی با قیمتهایی که هزینه‌های عملیاتی آنها را پوشش دهد ایفا کند به نحوی که یارانه مواد غذایی حذف شود. هدف دولت از نگهداری و ذخیره‌سازی مواد غذایی تنها به منظور تثبیت قیمتهاست و سیاست فقرزدایی از طریق ایجاد اشتغال و افزایش قدرت خرید صورت می‌پذیرد. پرداخت یارانه نهاده‌های کشاورزی سهم درخور توجهی در افزایش عملکرد محصولات مختلف کشاورزی داشته است، بنابراین حذف آن باید با دقت و برنامه‌ریزی صحیح انجام شود و در نهایت سیستم توزیع مواد غذایی دولتی باید به طور عمده بخشهای فقیر جامعه را با عرضه غلات خوراکی و با هدفهای مشخص و در مناطق معین زیر پوشش قرار دهد.

### اندونزی

در اقتصاد اندونزی برنج مهمترین ماده غذایی برای ۹۰ درصد مردم و سهم این محصول در تأمین کالری و پروتئین مورد نیاز حدود ۵۰٪ است. تولید داخلی برنج بستگی به نوسانات فصلی قیمت دارد. مسئله دیگر تمرکز تولید در یک منطقه خاص است، زیرا حدود ۶۰٪ از تولید مربوط به منطقه‌ای است که بخش صنعت ساختمان با آن رقابت می‌کند. کشور اندونزی در هر حال نمی‌تواند متکی به عرضه برنج خارجی باشد.

حجم تجارت بین‌المللی برنج حدود ۴٪ تولید جهانی است. بنابراین تجارت برنج بیشتر از سایر محصولات غذایی تحت مقررات و توافقنامه‌های دوجانبه با دولتها قرار گرفته است.

دخالت دولت در امر برنج در گذشته با هدفهای زیر بوده است :

۱. افزایش تولید
۲. افزایش درآمد زارعان
۳. کنترل و تثبیت قیمت برای تولیدکننده و مصرف‌کننده
۴. شفافیت بخشیدن به سود حاشیه‌ای بازار برنج
۵. ایجاد تعادل بین قیمت داخلی و بین‌المللی برنج

مهمترین ابزاری که در راستای تثبیت سیاست برنج به کار گرفته شد خرید برنج به وسیله دولت بعد از برداشت و توزیع آن در بازار به هنگام کمیابی بود. حتی برای کنترل قیمت تولیدکننده



## گزارش شرکت در سمینار ...

هیچ‌گونه محدودیت خرید وجود نداشت. در عین حال سهم خرید دولت حدود ۸ - ۱۰٪ از تولید را تشکیل می‌داد. به عبارت دیگر بخش بیشتر آن از طریق بازار مبادله می‌شد.

سیاست قیمتگذاری از سال ۱۹۶۹ برای اصول زیر دنبال شده است

۱. حمایت از یک قیمت کف به نحوی که تولید به سطح خودکفایی رسانده شود.

۲. تعیین حداکثر قیمت مناسب برای مصرف‌کننده

۳. تعیین سود قابل قبول بین قیمت کف و قیمت حداکثر به نحوی که تجارت برنج برای بازرگانان مقرون به صرفه باشد.

۴. بررسی اختلاف قیمت معقول بین مناطق مختلف به طوری که هزینه‌های حمل از تولید تا منطقه مصرف را پوشش دهد و از نوسانات قیمتهای جهانی نیز مصون بماند.

۵. ذخیره‌سازی دولتی با کارایی و مدیریت بالا

سیاست قیمتگذاری کف هنوز نقش مهمی ایفا می‌کند. در نظر است یارانه کودهای شیمیایی

کاهش یابد. علاوه بر آن رابطه مبادله بخش کشاورزی با سایر بخشها به طور نسبی پایین است. بنابراین انتظار می‌رود با قیمتهای کف موقعیت کشاورزان بهبود یابد. در مقابل دخالت دولت در قیمت مصرف‌کننده کاهش خواهد یافت و انعطاف بیشتری پیدا خواهد کرد.

برنج به عنوان یک ماده غذایی اساسی نه تنها اهمیت اقتصادی دارد بلکه از نظر سیاسی و

اجتماعی نیز مهم است. از این رو کشور اندونزی باید نیاز داخلی خود را از طریق تولیدات داخلی تأمین کند، بخصوص اینکه مواد غذایی می‌تواند به عنوان یک اهرم سیاسی مورد استفاده قرار گیرد.

## مالزی

کشور مالزی به سرعت در حال رشد و تحول از اقتصاد سنتی به اقتصاد صنعتی است و

برنامه‌های صنعتی خود را برای سال ۲۰۲۰ در دست تهیه دارد. بخش کشاورزی اهمیت خود را

حفظ خواهد کرد لیکن سهم آن در تولید ناخالص داخلی در حال کاهش است. پس از سالهای

۱۹۶۰ که بخش کشاورزی موقعیت خوبی داشت اکنون کمتر از ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی و

۱۸ درصد شاغلان را به خود اختصاص داده است. صادرات محصولات کشاورزی نیز در نتیجه کاهش نیروی شاغل در آن، تخلیه منابع کشاورزی، کمبود منابع قابل استفاده و پایین بودن قیمت برخی از اقلام، روند کاهشی داشته است.

قیمت برخی از محصولات کشاورزی صنعتی نظیر روغن نخل، کاکائو، کائوچو و غیره تحت تأثیر بازارهای جهانی نوسانات شدیدی داشته است. مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه و یا توسعه یافته سیاست قیمتگذاری در کشاورزی مالزی براساس زیر است:

۱. بهره‌گیری از اهرم عرضه و تقاضا ۲. مکانیزم کنترل قیمتها. بیشتر اوقات دولت کمکهای حمایتی به عمل می‌آورد. قیمت برنج تحت کنترل دولت است و برای این منظور دولت یک حداقل قیمت به اضافه یارانه قیمت برای خریدهای شلتوک می‌پردازد و قیمت عمده‌فروشی و خرده‌فروشی برنج را در سطح کشور کنترل می‌کند. علاوه بر آن کشاورزان از تسهیلات لازم برای آبیاری، زهکشی و یارانه نهاده‌ها بهره‌مند می‌شوند. در مورد کائوچو و روغن نخل قیمتها براساس قیمت‌های جهانی تعیین می‌شود. بخش کشاورزی مالزی غالباً از واحدهای کوچک با درآمد کم تشکیل شده است. بنابراین انواع حمایتها برای افزایش درآمد زارعان و تعادل بین بخشها صورت می‌گیرد.

بنابه طبیعت بخش کشاورزی مالزی، موافقتنامه دور اروگونه دارای اثرات زیر بوده است.

۱. کاهش صادرات محصولات کشاورزی
۲. کاهش در ارزش افزوده به دلیل ناسازگاری با مقررات گات
۳. ترک مزارع از واحدهای کوچک تولید برنج و کائوچو به منظور کسب درآمد بیشتر در بخش صنعت خدمات

## مغولستان

در بخش کشاورزی مغولستان تولیدات دامی نقش برتر را در اقتصاد این کشور ایفا می‌کند. این بخش ۳۲ درصد تولید ناخالص داخلی و ۳۰ درصد جمعیت شاغل را به خود اختصاص داده

## گزارش شرکت در سمینار ...

است. تولیدات کشاورزی سهم چشمگیری در صنایع غذایی و تبدیلی دارد که حدود ۳۳ درصد تولیدات صنعتی را شامل می‌شود. صادرات محصولات کشاورزی و تبدیل یافته حدود ۳۳ درصد درآمد ارزی است.

در دوران اقتصاد متمرکز هدفهای دولت عبارت بود از :

۱. بهبود شرایط زندگی و فرهنگ مردم ۲. تجدیدنظر ساختهای اقتصادی از طریق صنعتی شدن. در اجرای این سیاستها دولت سعی می‌کرد قیمت محصولات کشاورزی را در سطح پایین نگه دارد و از این طریق درآمد مردم شهری را افزایش دهد و ثبات سیاسی پیدا کند همچنین دولت سعی دارد مواد اولیه مورد نیاز صنعت را از بخش کشاورزی با قیمت‌های ارزان تأمین کند.

از سال ۱۹۹۰ با تغییر سیستم اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار، به موازات کاهش دخالت‌های دولت در فعالیتهای اقتصادی، آزادی تجارت و قیمت‌ها و خصوصی‌سازی تعاونیها به اجرا درآمد. نتایج این اقدامات اثرات مثبت بر تولید محصولات دامی داشته است به طوری که با افزایش قیمت‌ها تعداد دامها افزایش درخور توجهی یافت. از طرف دیگر مقررات دولت در مورد قیمت غلات بخصوص گندم اثرات منفی بر تولید داشته است. زیرا با افزایش قیمت نهاده‌ها ۸۰٪ واحدهای تولیدکننده یا تولیدات خود را کاهش دادند و یا متوقف کردند زیرا تولید گندم در نتیجه افزایش قیمت سوخت، قطعات، ماشین‌آلات و نرخ وامها به صرفه نبود. تجربه مغولستان نشان می‌دهد که چگونه اهرم قیمت می‌تواند نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و تخصیص منابع داشته باشد.

## نیپال

بخش کشاورزی در نیپال از اهمیت اقتصادی چشمگیری برخوردار است به نحوی که ۹۰٪ نیروی فعال به این بخش اختصاص دارد. مهمترین محصولات زراعی عبارت است از گندم، برنج، ذرت، سیب‌زمینی، نشکر و توتون. هرچند میزان تولید سالیانه افزایش یافته است لیکن عملکرد هنوز در سطح پایین قرار دارد.

در این کشور سیاست حمایت از قیمت‌ها و نهاده‌های کشاورزی دنبال می‌شود لیکن بیشترین بهره‌گیری از این سیاست مربوط به مناطق کوهستانی است. سیاست‌های جاری در برنامه هشتم نیز عبارت است از تعیین حداقل قیمت حمایتی، بهبود سیستم توزیع نهاده‌ها، مشارکت بخش خصوصی، حذف محدودیت صادرات و مدیریت قیمت تحت یک سازمان واحد. اثرات سیاست قیمت‌ها بر تجارت داخلی و خارجی در حدی نیست که بتواند به بهبود اقتصادی و صادرات محصولات کشاورزی کمک کند.

بتازگی برنامه کشاورزی درازمدتی تدوین کرده به نام APP یا (Agr. Prospective Plan) و در نظر دارد آن را با کمک‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی به مورد اجرا درآورد.

## پاکستان

بخش کشاورزی پاکستان حدود ۲۴ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود و طی سالهای ۱۹۸۵ - ۸۶ تا ۱۹۹۵ - ۹۶ رشدی معادل ۴/۴ درصد داشته است. بین محصولات اساسی بیشترین رشد تولید مربوط به نیشکر و کمترین آن مربوط به برنج است (۱٪) در حالی که رشد تولید گندم و پنبه به ترتیب ۳/۳ و ۳/۵٪ در سال بوده است. رشد تولید حبوبات سالانه ۱/۱٪ کاهش داشته در صورتی که سیب‌زمینی، پیاز و سبزیجات سالانه از رشدی معادل ۷/۷ و ۶/۶ و ۵/۵ درصد برخوردار بوده است. افزایش مصرف نهاده‌ها همراه با حداقل قیمت تضمینی (GMP) بعضی از محصولات، عامل اصلی افزایش رشد بوده است. به دلیل عرضه گندم به وسیله دولت به قیمت ثابت در طول سال، قیمت آن در بازار آزاد به سطح بالاتر از قیمت حمایتی رسید. توسعه صنعت شکر سبب کاهش قیمت آن به میزان ۵٪ در سال شد. در حالی که قیمت حمایتی آن ۸٪ افزایش یافت. تغییرات قیمت برنج باستانی نیز به موازات قیمت‌های بین‌المللی صورت گرفت. به دلیل مشارکت وسیع بخش خصوصی در صادرات برنج، تولیدکنندگان برنج باستانی در بعضی سالها به علت پایینتر بودن قیمت آن زیر قیمت‌های حمایتی، ضررهایی متحمل شده‌اند. از طرف دیگر تولیدکنندگان پنبه در نتیجه بالا رفتن قیمت‌های بین‌المللی سود بردند. در گذشته مهمترین حمایت‌های

## گزارش شرکت در سمینار ...

کشاورزی دولت به طور عمده مربوط به انحصاری بودن تجارت برنج و پنبه و همتراز کردن تعرفه صادرات آنها، پرداخت یارانه بر واردات و توزیع گندم و برقراری تعرفه برای واردات شکر و روغن خوراکی و پرداخت یارانه نهاده‌ها بوده است. این سیاستها گرچه سبب وارد آوردن فشار بر قیمت محصولات کشاورزی و گرفتن مالیات از کشاورزی شد لیکن حمایت از نیشکر و روغن خوراکی را نیز به دنبال داشت.

پس از آن تغییری در سیاست قیمتها در کشاورزی داده شد که شامل کاهش و یا محدودیت انحصارات تجاری و یارانه آشکار است.

بخش خصوصی اکنون آزاد است تا برنج، پنبه و شکر صادر و گندم و کود شیمیایی را وارد کند. لیکن هنوز پرداخت یارانه برای گندم وارداتی، برق، آب، برقرار است.

کاهش یارانه‌ها سبب افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی شده است و در نتیجه هزینه تولید گندم، پنبه، برنج و نیشکر حدود ۸۱/۵ تا ۱۰۴/۳٪ افزایش یافته است. لیکن رشد قیمت بازار گندم، برنج باساق و نیشکر از رشد هزینه‌های تولید کمتر بوده و سود حاشیه‌ای تولیدکنندگان این محصولات بر تولید و مزیت نسبی آنها تأثیر گذاشته است. حذف یارانه باقیانده بر درآمد تولیدکنندگان، بر رشد تولید این محصولات تأثیر خواهد گذاشت.

به منظور مقابله با این مسئله باید سیاستهایی را تدوین کرد که موجب افزایش کارایی تولید و کاهش قیمت تمام شده محصولات شود. از طریق سیستم بازاریابی، بسته‌بندی، درجه‌بندی صنایع تبدیلی قیمت بیشتری خواهد بود. مستلزم مرتبط ساختن سیاست قیمتگذاری با سایر سیاستهاست. دستیار به کده نهاده‌ها در زمان مصرف باید امکانپذیر باشد و مشکلات بخش خصوصی و دولتی را برطرف کند. اجرای در جهت حمایت از بازار محصولات با کیفیت بالا برقرار شد.

## فیلیپین

رشد بخش کشاورزی فیلیپین طی سالهای ۱۹۸۶ - ۹۵، ۲/۶۲٪ بوده است دلایل این رشد

عبارت است از :

۱. حمایت بازرگانی و مالی از بخش صنعت با هزینه بخش کشاورزی
۲. ناچیز بودن زیربنای بخش کشاورزی، خدمات حمایتی و اعتبارات
۳. فقدان تکنولوژی ترویج در جهت بهبود بهره‌وری
۴. نبود سیاست بهره‌برداری از زمین
۵. رشد بالای جمعیت

مهمترین محصولات کشاورزی فیلیپین عبارت است از برنج، ذرت، شکر، روغن نارگیل. در گذشته دخالت دولت به طور عمده از طریق تثبیت قیمت این محصولات بوده است. سیاست اصلی دولت فیلیپین پایین نگه‌داشتن قیمت محصولات اساسی برای مصرف‌کننده و همزمان فراهم کردن درآمد کافی برای تولیدکنندگان داخلی جهت افزایش بهره‌وری است. بازوی اصلی دولت برای تنظیم قیمت برنج و ذرت NFA است National Food Authority که این محصولات را با قیمت مناسب به طور مستقیم در بازار عرضه می‌کند و برای این منظور ذخیره‌سازی کرده یا رانه می‌پردازد. از سال ۱۹۷۴ تا ۸۵ قیمت خرده‌فروشی برنج در سطح قیمت دولتی نگه‌داشته شد لیکن پس از آن با کنار گذاشتن این سیاست قیمتها افزایش یافت. قیمت داخلی ذرت به طور عمده در اختیار بخش خصوصی است. لیکن دولت نیز به منظور حمایت از قیمتها دخالت می‌کند. از آنجا که قیمت دریافتی زارع برای ذرت در بازار آزاد بالاتر است بنابراین دخالت NFA در بازار ذرت ناچیز است. قیمت شکر نیز توسط سازمان تعاونی و بازرگانی شکر که در سال ۱۹۸۶ به عنوان یک مؤسسه انحصاری دولتی تأسیس شد کنترل می‌شود.

دخالت دولت در صنعت شکر تنها به موارد زیر محدود است :

۱. تقسیم سهمیه شکر آمریکا به تولیدکنندگان آن
۲. جدا کردن قیمت داخلی از طریق ۵۰٪ تعرفه و مقررات اجرایی برای محدود ساختن واردات شکر در رابطه با مقررات گات و WTO محدودیت واردات برنج همچنان تا ۱۰ سال براساس حداقل دسترس به بازار خواهد بود. محدودیتهای مقداری ذرت کنار گذاشته شد لیکن محدودیتهای

## گزارش شرکت در سمینار ...

تعرفه‌ای و حداقل دسترس به بازار را شامل می‌شود. تجارت شکر و روغن نارگیل به صورت آزاد ادامه خواهد داشت. سیاستهای دولت مبتنی بر کناره‌گیری از دخالت مستقیم و پرداخت یارانه است لیکن حمایت‌های لازم از افزایش اعتبارات، آبیاری، امور زیربنایی، سیستم اطلاعات تحقیقات و ترویج صورت می‌پذیرد.

## تایلند

سهم بخش کشاورزی تایلند در تولید ناخالص داخلی حدود ۱۰٪ است. تولید محصولات شیلات و دام در ۱۰ سال گذشته سالانه ۱۵٪ رشد داشته است. ارزش تولیدات صنایع تبدیلی نیز طی ۱۵ سال گذشته سالانه بین ۵ تا ۱۰٪ رشد کرده و روند قیمتها در کشاورزی نیز تابع سطح عمومی آن بوده است. عواملی که در روند رشد قیمتها مؤثر بوده عبارت است از رشد جمعیت، رشد درآمد، تغییر در تکنولوژی تولید.

هدفهای سیاست قیمتگذاری در کشاورزی تایلند عبارت است از :

۱. تثبیت قیمت مصرف‌کننده مواد غذایی

۲. بهبود شرایط تولید

۳. بهبود رابطه مبادله

۴. تأمین درآمدهای دولت

۵. استفاده مطلوب از منابع در راستای کشت و صنعت‌ها

برای این منظور ترکیبی از اقدامات به مورد اجرا گذاشته می‌شود که مهمترین آنها عبارت

است از :

۱. تعیین حداقل قیمت، خرید، نگهداری و توزیع محصولات

۲. کنترل حجم و قیمت واردات و صادرات از طریق تعرفه صادراتی و وارداتی محدودیت مقداری

صادرات و واردات، تثبیت یا کنترل قیمت مصرف‌کننده، فروش دولتی.

تایلند در حال ورود به سازمان تجارت جهانی WTO و AFTA است. در اجرای مقررات

گات و برای مقابله با محصولات نظیر سویا و روغن نارگیل در مقایسه با کشورهای همسایه مزیت نسبی ندارد و دولت از طریق وزارت کشاورزی سیاست تعدیل و تنظیم تولید را به منظور صادرات برنج تهیه کرده است.

در این رابطه دولت نهاده‌های تولید نظیر بذر مرغوب، کود شیمیایی، و ام‌کم‌بهره را به زارعانی که در این برنامه داوطلب مشارکت باشند عرضه می‌کند. در مورد صادرات برنج هدف ۴/۵ میلیون تن در سال است.

## ویتنام

در این کشور ۸۰٪ نیروی شاغل در بخش کشاورزی است. کمبود تولیدات کشاورزی برطرف شده و بتدریج امنیت غذایی کشور تأمین شده است. ویتنام سومین کشور بزرگ صادرکننده برنج در جهان است (بعد از آمریکا و تایلند). این کشور دو دوره اقتصادی را در رابطه با سیاست قیمت‌ها در کشاورزی پشت سر گذاشته است. نخستین دوره تا پایان سال ۱۹۸۹ است که مشخصه آن اقتصادی با پرداخت یارانه بود. دولت سیاستی را دنبال می‌کرد که قیمت نهاده‌ها و ستانده‌ها بدون تأثیر نیروی بازار تعیین می‌شد. دوره دوم که از سال ۱۹۹۰ تاکنون ادامه دارد از اقتصاد یارانه‌ای به اقتصاد بازار تغییر یافته است. از سال ۱۹۹۴ اقدامات زیر در زمینه سیاست قیمت‌ها در کشاورزی به کار گرفته شده است.

۱. دولت میزان عرضه و تقاضا را از طریق ذخیره‌سازی یا قیمت‌های مناسب برای نهاده‌ها و ستانده تنظیم می‌کند.

۲. دولت از سیاست ارزی انعطاف‌پذیر پیروی می‌کند زیرا نرخ ارز ابزار اقتصادی مهمی در امر توسعه صادرات و حمایت از تولیدات داخلی است.

۳. دولت یک صندوق ملی جهت دخالت در بازار ایجاد کرده که به منظور به حداقل رساندن تغییرات قیمت، کاهش نرخ تورم و فراهم ساختن محیط اقتصادی مناسب است.

در زیر خلاصه‌ای از مطالب عمده عرضه شده در سمینار به وسیله برخی سخنرانان ارائه می‌شود:



## الف : دورنگای سیاست قیمت‌ها در کشاورزی

در بیشتر کشورها سیاست قیمت‌ها در کشاورزی به منظور استفاده بهینه از منابع در جهت به حداکثر رساندن رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. در عمل سیاست قیمت‌ها طوری طراحی می‌شود که قیمت و درآمد تولیدکننده را تثبیت کرده محصولات تولیدی را با قیمت پایین به مصرف‌کننده عرضه کند.

سیاست قیمت‌ها در کشاورزی در اغلب کشورهای پیشرفته شامل پرداخت یارانه به تولیدکننده و دریافت مالیات از مصرف‌کننده از طریق دخالت مستقیم دولت در حمایت از تجارت خارجی است. در حالی که بیشتر کشورهای در حال توسعه سیاست دریافت مالیات از تولیدکننده و پرداخت یارانه به مصرف‌کننده را از طریق پایین نگه‌داشتن قیمت‌ها دنبال می‌کنند. در کشورهای پیشرفته با استفاده از تکنولوژی روز تولیدات کشاورزی افزایش یافته و به مازاد بر مصرف نیز دست یافته‌اند، در حالی که در کشورهای کمتر توسعه یافته هنوز مسئله کمبود مواد غذایی وجود دارد. مسئله مازاد تولید در کشورهای پیشرفته و کمبود تولید در کشورهای در حال توسعه منجر به محدودیتهای مقداری واردات، صادرات و دمیپنگ قیمت و بازارهای بی‌ثبات در جهان شده است. با قراردادهای اخیر سازمان تجارت جهانی و گات در نظر است که تجارت محصولات کشاورزی آزاد شود. قرارداد مزبور موارد زیر را دربرمی‌گیرد.

۱. کاهش تعرفه
۲. دسترس به بازار
۳. کاهش حمایت‌های داخلی
۴. کاهش یارانه‌های صادراتی

با رعایت موارد فوق پیشبینی می‌شود الگوی تولید و تجارت جهانی در کشاورزی تغییر یابد. بخش کشاورزی کشورهای مهم صادرکننده محصولات کشاورزی سود خواهند برد و مصرف‌کنندگان اغلب کشورهای در حال توسعه زیان خواهند دید. این تغییرات نشان خواهد داد که اجرای سیاست قیمت‌ها در کشاورزی که هدف آن حمایت مستقیم از تولیدکننده است اهمیت کمتری خواهد یافت و سیاست مواد غذایی ارزان دیگر تضمین‌کننده امنیت غذایی برای مردم فقیر نخواهد بود.

## ب: برآورد عرضه و تقاضای مواد غذایی در درازمدت و امنیت غذایی

تعداد زیادی از سازمانهای بین‌المللی در رابطه با عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی در درازمدت برآوردهایی را در ۲ یا ۳ سال اخیر انجام داده‌اند. روشهای این برآوردها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که از روش اقتصادسنجی استفاده کرده‌اند و گروهی که با محاسبات ساده برآوردهایی را انجام داده‌اند.

هدفهای این برآوردها متفاوت است. برای مثال، براون Brown سال ۲۰۳۰ (برآورد ۴۰ سال) و OECD تا سال ۲۰۰۰ (۵ سال) را برآورد کرده‌اند. همچنین در رابطه با نوع محصولات، FAO تا ۳۲ محصول را برآورد کرده است. در بررسی عوامل مؤثر در تقاضا نظیر رشد جمعیت و درآمد به طور عمده از برآوردهای سازمان ملل و بانک جهانی استفاده شده است و در رابطه با میزان عرضه اختلافاتی وجود دارد. FAO و OECD محدودیت اراضی کشاورزی را به کار برده‌اند. در بعضی از مدلها تغییرات CAP در سال ۱۹۹۳ در بزار مشترک را مدنظر قرار داده‌اند لیکن قانون کشاورزی ایالات متحد در سال ۱۹۹۶ در برآوردها مورد توجه قرار نگرفته، به جز آخرین برآوردهای FAPRI بانک جهانی نیز در برآوردهای خود تغییرات در سیاستگذاری را در نظر نگرفته و معتقد است که تغییر در سیاستگذاری در درازمدت اثرات ناچیزی دارد.

مهمترین نتیجه برآوردها به شرح زیر است:

۱. تولید غلات علوفه‌ای سالانه ۱/۵ درصد افزایش خواهد یافت یا به عبارت دیگر از ۱/۷ میلیارد تن در سال ۱۹۹۰ به ۲/۳ میلیارد تن در سال ۲۰۱۰ می‌رسد.
۲. واردات کشورهای در حال توسعه به بیش از ۲ برابر افزایش خواهد یافت یعنی از ۸۹ میلیون تن به ۲۱۰ میلیون تن می‌رسد.
۳. روسیه تنها صادرکننده خالص غلات علوفه خواهد شد.
۴. صحرای افریقا به دلیل رشد بالای جمعیت زیان خواهد دید.
۵. کشورهای در حال توسعه شرق آسیا (به جز چین) تولید غلات علوفه‌ای را سالانه ۶٪ افزایش خواهند داد لیکن واردات همچنان به دلیل افزایش جمعیت ادامه خواهد داشت.

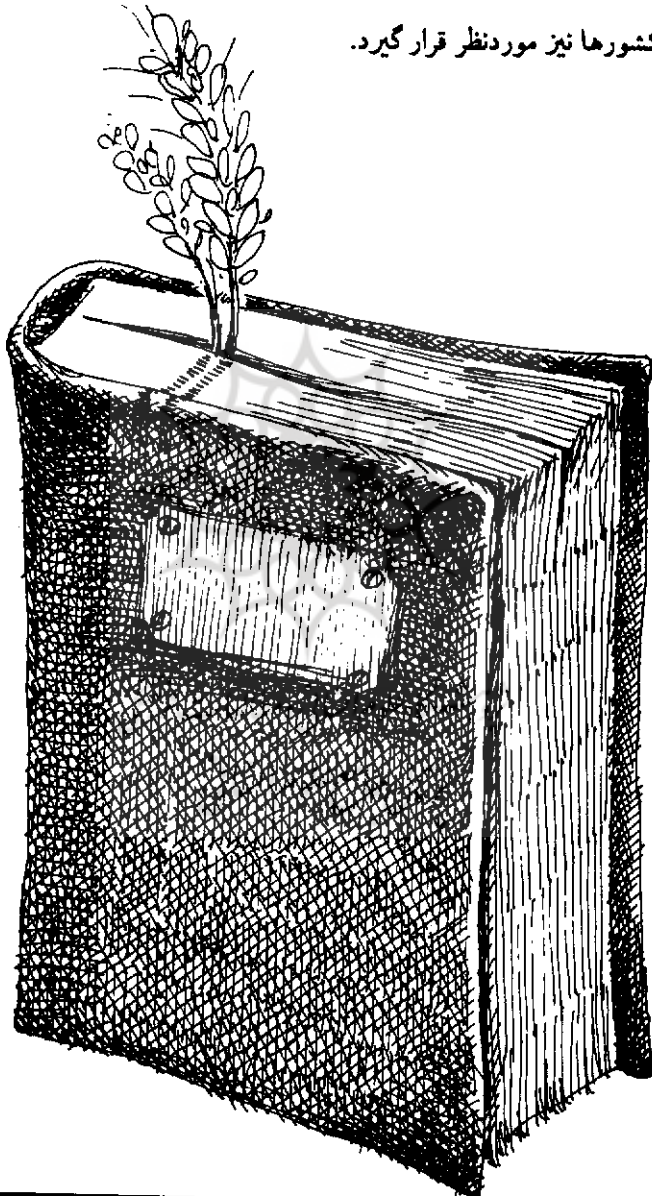
کاربرد تحلیل هزینه...

۶. تقاضا برای غلات علوفه‌ای در چین از رشدی معادل ۲٪ برخوردار خواهد شد در حالی که تولید سالانه به رشدی معادل ۱/۳ تا ۱/۹ درصد می‌رسد.
۷. تولید در آسیای جنوبی تقاضا را پوشش خواهد داد و سالانه به رشدی معادل ۲٪ خواهد رسید.
۸. قیمت‌ها تغییر نخواهد یافت و یا اندکی کاهش می‌یابد.
۹. تمام برآوردها به جز برآوردهای براون نشان می‌دهد که عرضه و تقاضای غلات علوفه‌ای کم نخواهد شد لیکن قیمت‌ها حداقل تا سال ۲۰۱۰ افزایش چشمگیری پیدا نخواهند کرد.

### ج : سیاست قیمت‌ها در کشاورزی در شرایط wto

- مهمترین عواملی که بر تجارت بین‌المللی در شرایط WTO اثر خواهد گذاشت عبارت است از لایحه کشاورزی آمریکا در سال ۱۹۹۶ و سیاست بازار مشترک اروپا EU. در چهارم آوریل ۱۹۹۶ کنگره آمریکا لایحه‌ای را به تصویب رساند که مهمترین تغییرات در کشاورزی آمریکا بعد از سالهای ۱۹۳۳ است که حمایت از قیمت‌ها شروع شد. براین اساس روش پرداختهای جبرانی به صورت پرداختهای ثابت تغییر خواهد یافت. قبل از سال ۱۹۹۶ اساس سیاست کشاورزی آمریکا در مورد غلات علوفه‌ای به شرح زیر بوده است :
۱. پرداختهای جبرانی به کشاورزان زمانی که قیمت بازار به زیر قیمت تعیین شده (هزینه تولید) می‌رسد.
  ۲. حمایت از قیمت‌ها (نرخ وام) براساس ۸۵٪ متوسط قیمت ۵ سال گذشته
  ۳. مشارکت در برنامه کاهش سطح زیرکشت که براساس آن کشاورزان از حمایت قیمت‌ها برخوردار می‌شوند. براساس قانون مصوب سال ۱۹۹۵ بودجه حمایت از قیمت‌ها و درآمد زارعان باید سالانه ۲۴ درصد طی ۷ سال آینده کاهش یابد. از آنجا که پرداختهای جبرانی را بستگی به تغییرات قیمت در بازار داشت بنابراین مقرر شد این پرداختها به صورت ثابت انجام پذیرد که برای آن رقمی معادل ۳۵/۶ میلیارد دلار طی ۷ سال تعیین شد.
- از طرف دیگر در مذاکرات دور اروگوئه، بازار مشترک اروپا مجبور شد یارانه‌های صادراتی خود را کاهش دهد که در نتیجه به تغییر در سیاستها در سال ۱۹۹۳ منجر شد و براساس آن

حمایت از قیمت‌ها به پرداخت‌های مستقیم تبدیل شد. لیکن برخلاف تمایل بازار مشترک (EU) آمریکا پرداخت‌های جبرانی را در محاسبات AMS منظور می‌کند تا بدین ترتیب کاهش حمایت‌های داخلی خود را نشان دهد. بنابراین تغییر در روش حمایت‌های داخلی یعنی حمایت از قیمت‌های مرتبط با تولید به روش پرداخت‌های جبرانی و غیرمرتبط با تولید که در راستای موافقتنامه دور اروگوئه است باید توسط سایر کشورها نیز مورد نظر قرار گیرد.



### د: سیاست قیمت برنج و گندم در ژاپن

برنج مهمترین مواد غذایی مردم ژاپن است و با وجودی که مصرف سرانه آن از ۱۱۸/۳ کیلوگرم در سال ۱۹۶۲ به ۶۹/۳ کیلوگرم در سال ۱۹۹۳ کاهش یافته هنوز سهم درخور توجهی از بودجه مواد غذایی را به خود اختصاص می‌دهد و ۳۰٪ کالری را تأمین می‌کند.

براساس قانون مصوب سال ۱۹۴۲ کشاورزان موظف شدند تمام برنج و سایر محصولات اساسی تولیدی خود را براساس قیمت‌های تعیین شده به دولت بفروشند. در مقابل دولت محصولات خریداری شده را از طریق سیستم سهمیه‌بندی با قیمت‌های کنترل شده به مردم عرضه می‌کرد تا اینکه در سال ۱۹۶۹ تقریباً کنترلها برداشته شد و اجازه داده شد که برنج بدون دخالت دولت در بازار عرضه شود. روش تعیین قیمت برنج به طور عمده براساس هزینه تولید و درآمد زارعان بوده است.

باتوجه به مقررات گات قانون کنترل مواد غذایی کنار گذاشته شد و قانون تثبیت عرضه و تقاضا و قیمت محصولات غذایی اساسی در سال ۱۹۹۴ وضع شد.

براساس قانون جدید دولت باید میزان عرضه و تقاضا و ذخیره محصولات غذایی اساسی را تا قبل از مارس (اسفند) هر سال برآورد کند. باتوجه به حداقل دسترس به بازار دولت ژاپن باید سالانه ۴٪ نیاز داخلی را از خارج وارد کند و در طی مدت ۶ سال این رقم را به ۸٪ برساند.

در مقایسه با برنج، گندم و جواز اهمیت کمتری برخوردار است و توزیع آن توسط بخش خصوصی است، لیکن دولت نیز در صورت نیاز برای حمایت از قیمت‌ها، هر میزان که به وسیله تولیدکنندگان عرضه شود خریداری می‌کند.



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انسانی